

بنگاه‌های کوچک زودبازده و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی ایران

دکتر شهرام گیلانی نیا استادیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
محمدرضا جلالی مدیرکل آموزش و پژوهش استان گیلان

چکیده

اشتغال پایدار برای توسعه اقتصادی یک کشور از عوامل ضروری و بنیادی است. باید مسیر توسعه اقتصادی را از طریق دستیابی به اشتغال پایدار و با کمک گرفتن از ایجاد و تقویت بنگاه‌های کوچک زودبازده غنا بخشید. در مقاله حاضر، ابتدا به تشریح مفهوم بنگاه‌های کوچک زودبازده و لزوم تشکیل خوشه‌های صنعتی پرداخته می‌شود و سپس فرآیند اثر گذاری بنگاه‌های کوچک زودبازده بر اشتغال پایدار و توسعه اقتصادی ایران مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. هم چنین در این مقاله نسبت به آرایه یک مدل تعاملی مفهومی جدید در زمینه ارتباط بین بنگاه‌های کوچک، خوشه‌های صنعتی و توسعه اقتصادی اقدام شده است. مدل فوق بیان می‌کند که دستیابی به اشتغال پایدار و توسعه اقتصادی، باید از مسیر بستر اقتصادی مناسب، بنگاه‌های کوچک زودبازده و خوشه‌های صنعتی عبور کند و وظیفه حفظ تعادل این سه متغیر اساسی در مدل، بر عهده دولت خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

اشتغال پایدار، بنگاه کوچک، توسعه اقتصادی، خوشه‌های صنعتی، اقتصاد منطقه‌ای

مقدمه

در طول پانزده سال گذشته، کسب و کارهای کوچک و متوسط به عنوان اصلی ترین منابع ایجادکننده شغل در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شناخته شده‌اند. توانایی این نوع از کسب و کارها در تطابق با شرایط در حال تغییر پیرامون خود و توانایی نفوذ در بازارهای محدود، به همراه توانایی در نوآوری، آنها را به یکی از ابزارهای حیاتی در نفوذ به بازارها تبدیل نموده است. تعداد زیادی ذی‌نفع در اطراف هر واحد کسب و کار وجود دارند که مجبور به برقراری ارتباط با آنها هستند. این ارتباطات نیازمند هزینه و صرف وقت است، ذی‌نفعان یک واحد کسب و کار بسیار متنوع هستند و ماهیت دولتی یا خصوصی بودن آنها و خواسته‌ها و توقعات هر یک، نیازمند شناخت تمامی آنها و رسیدگی به امورشان می‌باشد. محیطی که واحدهای کسب و کار در آن فعالیت می‌نمایند، عناصر متعددی را شامل می‌شود که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: ساختار قانونگذاری و تعریف خط‌مشی‌های حکومتی، بوروکراسی اداری برای هدایت، ترفیع و حضور بخش کسب و کار کوچک، فرهنگ رایج، یعنی فرهنگ سنتی که در مقابل کارآفرینی و سرمایه گذاری مقاومت می‌نماید. [۶]

در کنار بنگاه‌های کوچک زودبازده، باید بر توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه‌ها به عنوان یک استراتژی نوین که مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در کشورهای صنعتی و در حال توسعه می‌باشد نیز تمرکز نمود. خوشه‌های

دستیابی به اشتغال پایدار و توسعه اقتصادی، باید از مسیر بسته اقتصادی مناسب بنگاه‌های کوچک زودبازده و خوشه‌های صنعتی عبور کند و وظیفه حفظ تعادل این سه متغیر اساسی نیز بر عهده دولت خواهد بود.

صنعتی، یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستی‌های موجود صنایع را رفع و مزیت‌های مختلف آنها چون انعطاف‌پذیری و تنوع را تقویت می‌کنند. امروزه توسعه از طریق ابداع خوشه، نقش محوری و بارزی را در سیاست‌های اقتصادی و صنعتی کشورهای توسعه‌یافته ایفا می‌نماید. اگر رویکردهای گذشته تمرکز بیشتری بر اقتصاد کلان داشته‌اند، اینک کسب و کار خرد و متوسط، احساس مسوولیت نسبت به افزایش قابلیت رقابت واحدهای کوچک و متوسط، بهبود ارتباطات شبکه‌ای، تأکید بر حمایت‌های غیرمستقیم در مقابل پرداخت یارانه، ترکیب رقابت و همکاری به منظور تقویت یادگیری و نوآوری، ارتقای سطح همکاری واحدهای کوچک و بزرگ و تقویت مثلث همکاری خوشه‌ها، دولت و مراکز علمی، به ویژه دانشگاه‌ها مورد تأکید و توجه بیشتری قرار می‌گیرد [۲].

هر قدر نگاه به حل مسایل از سطح بین‌المللی، ملی و بخشی به سمت منطقه‌ای و محلی، مبتنی بر قابلیت‌های پویای سامانه‌های اجتماعی شکل‌یافته بر پایه فرآیندهای طبیعی پیش می‌رود، توجه به کسب و کار خرد در قالب شبکه ارتباطی قابل تعریف تحت عنوان توسعه خوشه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد.

مفهوم بنگاه کوچک زودبازده

بنگاه کوچک زودبازده، به مؤسسه‌ای گفته می‌شود که با تعداد کمتر از پنجاه نفر از منابع انسانی در یک زمینه معین



در صورتی که بتوان رقابت را با همکاری و ارتباط مجموع بنگاه‌ها همراه نمود، کسب و کارهای داخل خوشه رونق و ارتقا خواهند یافت.

اهمیت کسب و کارهای کوچک در توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلع نیستند. [۲]

اهمیت بنگاه‌های کوچک در توسعه پایدار اقتصاد، ناشی از اندازه و ساختار آنها است که در محیط توانمند و در بازارهای توسعه یافته به آنها توان و انعطاف‌پذیری تحمل شرایط نامناسب اقتصادی را می‌دهد. این گونه سازمان‌ها بیش از سازمان‌های بزرگ متکی بر منابع انسانی هستند و به همین دلیل به هزینه‌های سرمایه‌ای کمتری برای ایجاد اشتغال نیاز دارند و در نتیجه، نقش مهمی در ثبات درآمد، رشد و اشتغال خواهند داشت.

اقتصاد مدرن نیز به عنوان شبکه پیچیده‌ای از بنگاه‌ها عمل می‌کند، که در آن موقعیت رقابتی بنگاه تا حدودی به کارایی تأمین‌کنندگان بستگی پیدا می‌کند. به همین دلیل، اعضای سازمان بین‌المللی کار در کنفرانس بین‌المللی کار توصیه شماره ۱۸۹ را با موضوع شرایط عمومی برای ایجاد اشتغال توسط کسب و کارهای کوچک و متوسط به تصویب رساندند که در آن نقش این گونه از کسب و کارها به شرح زیر مطرح شده است: [۴]

* ترویج استخدام با آزادی انتخاب سودمند.

* افزایش مشارکت اقتصادی گروه‌های اجتماعی

محرور و بدون مزیت.

* افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی.

* توانمندسازی رشد اقتصادی پایدار و توانایی واکنش

همراه با انعطاف‌پذیری نسبت به تغییرات.

* فراهم سازی دستیابی بیشتر به فرصت‌هایی با درآمد

بیشتر و ایجاد ثروت که منجر به استخدام و اشتغال پایدار

و بهره‌ور شود.

* آموزش و توسعه منابع انسانی.

* توازن توسعه منطقه‌ای و محلی.

مشغول به فعالیت است و با سرمایه محدود و حوزه عملیاتی مشخص و محدود، در کوتاه‌ترین زمان، به مرحله تولید یا ارائه خدمات رسیده و ساختار پیچیده‌ای ندارد. [۷]

مفهوم خوشه‌ها

تعریف اول: خوشه، به مجموعه‌ای از مؤسسات و شرکت‌هایی گفته می‌شود که بر روی یک پروژه توسعه مشترک همکاری می‌نمایند تا با تکمیل تخصصی همدیگر، بتوانند بر مشکلات مشترک فائق آیند و با مجموع کارایی حاصل شده، بازارهایی را به دست آورند که به تنهایی امکان فتح آن را نداشته‌اند.

تعریف دوم: خوشه، نمایانگر یک تمرکز جغرافیایی و منطقه‌ای از بنگاه‌هایی غالباً خرد و کوچک است که دامنه‌ای از محصولات مرتبط و مکمل را تولید نموده و به فروش می‌رسانند. این شبکه مرتبط بنگاه‌های کوچک، مرکب از تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان مواد اولیه، سازندگان ماشین‌آلات و تجهیزات، موسسات آموزشی و مشاوره‌ای، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های حمل و نقل، مؤسسات مالی، توزیع‌کنندگان و فروشندگان نهایی می‌باشد که با فرصت‌ها و تهدیدات مشترکی مواجه هستند.

ضرورت ایجاد و تقویت بنگاه‌های کوچک زودبازده در رابطه با رشد و توسعه اقتصادی کشور

شواهد فراوانی وجود دارند حاکی از این که چنانچه دولت در خصوص رشد اقتصادی و ارتقای سطح برابری و عدالت اجتماعی و کاهش فقر جدی باشد، می‌باید فضایی را ایجاد نماید تا محیط برای توسعه بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک کاملاً هموار و مستعد باشد و این در حالی است که بیشتر قانونگذاران و تصمیم‌گیرندگان از نقش و

اگر دولت در خصوص رشد اقتصادی و ارتقای سطح برابری و عدالت اجتماعی و کاهش فقر جدی باشد، می‌باید فضایی را ایجاد نماید تا محیط برای توسعه بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک، کاملاً هموار و مستعد باشد.

عمدهترین هدف توسعه بنگاه‌های کوچک زودبازده و متعاقب آن، توسعه خوشه‌های صنعتی و خدماتی، همانا ایجاد اشتغال پایدار و تقویت رشد اقتصادی در مناطق مختلف یک کشور می‌باشد.

می‌تواند با تولید محصولات و ارائه خدمات با کیفیت و فروش آن‌ها در سطح بازارهای داخلی بین‌المللی، ضمن کمک به رقابت‌پذیری ملی و رشد و توسعه اقتصادی کشور، بر سایر موضوعات اجتماعی هم چون کمک به اشتغال پایدار و رفع بیکاری و از بین بردن فقر و سایر آسیب‌های جامعه تأثیر بگذارند. این جنبه، یعنی تمرکز بر بهره‌وری و اثربخشی و ایجاد مزیت رقابتی، از ویژگی‌های مهم بنگاه‌های کوچک زودبازده می‌باشد. با این وصف، یک سوال بنیادی که پایه و اساس مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد، هم چنان به قوت خود باقی است: آیا تنها و فقط با ایجاد و خلق بنگاه‌های کوچک زودبازده می‌توان به مزیت رقابتی و اشتغال پایدار دست یافت؟

آن چه تاکنون به بحث گذاشته شده، بر مفهوم و اهمیت بنگاه‌های کوچک و نقش دولت در توسعه آن و همچنین اثرات این گونه بنگاه‌ها بر توسعه اقتصادی پافشاری نموده اما چگونه می‌توان بنگاه‌های کوچک را پایدار^(۵) و مستحکم نمود؟ پاسخ این سوال را باید در تشکیل خوشه‌های صنعتی جستجو نمود که ضمن ارائه یک مدل پیشنهادی که توسط نویسندگان طراحی شده و در نمودار شماره یک به نمایش گذاشته شده است، به تشریح مفهوم، فرآیند و اثرات خوشه‌های صنعتی در پایداری و مانایی بنگاه‌های کوچک و زودبازده و متعاقب آن توسعه اقتصادی کشور پرداخته می‌شود.

نمودار شماره یک

مدل پایدارسازی توسعه اقتصادی بر مبنای خوشه‌های صنعتی (نویسندگان)



در مدل پایدارسازی توسعه اقتصادی بنگاه‌های کوچک زودبازده با متغیرهای مهمی چون فعالیت‌های پایه‌ای اقتصاد، بنگاه‌های مختلف اقتصادی بدون توجه به اندازه آن‌ها، زیرساخت‌ها مواجه می‌باشد که در حقیقت، باید بستر مناسب را در جهت خلق و رشد این گونه بنگاه‌ها ایجاد نمایند. متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای، مانند مهارت‌های کارکنان و چگونگی مشارکت دولت در مهیا نمودن بستر مناسب برای تشکیل بنگاه‌های کوچک زودبازده و منسجم در قالب خوشه‌های صنعتی نیز حضور دارند. این مدل بیان می‌کند که اگر هماهنگی و هارمونی لازم در متغیرهای اصلی و تعدیل‌کننده در مسیر حرکت از بنگاه‌های کوچک زودبازده و توسعه اقتصادی وجود نداشته باشد، تمام مزایای بنگاه‌های کوچک در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نابودی

* ارتقای روابط مناسب بین کارگران و کارفرما.
* ایجاد انگیزه برای نوآوری، کارآفرینی، توسعه تکنولوژی و تحقیق.
* فراهم‌آوری کالاها و خدماتی که با نیازهای بازار محلی انطباق بیشتری دارند.
* بهبود کیفیت کار و شرایط کاری که منجر به بهتر شدن کیفیت زندگی و دستیابی تعداد بیشتری از مردم به تأمین و رفاه اجتماعی می‌شود.
اما در رابطه با اجرای مصوبات سازمان بین‌المللی کار، دولت‌ها چه نقشی را ایفا خواهند نمود؟ آیا بدون همکاری و پشتیبانی دولت‌ها، اجرای این اصول امکان‌پذیر خواهد بود؟ با روشن شدن نقش‌های دولت به این سوالات پاسخ داده خواهد شد.

نقش دولت در ارتقای کسب و کارهای کوچک زودبازده

دولت در این راستا می‌تواند نقش‌های زیر را ایفا نماید:
(الف) دولت به عنوان تسهیل‌کننده:^(۱) در این نقش، برنامه‌ریزی محیط به گونه‌ای است که شرایط برای ترفیع کسب و کار کوچک فراهم می‌شود و دولت برای برآوردن توقعات ذی‌نفعان مختلف و هم‌سویی آن‌ها همت می‌نماید.^[۵]

(ب) دولت به عنوان قانونگذار:^(۲) در این نقش، دولت به طراحی و اجرای قوانین و هدایت فعالیت‌های کسب و کار کوچک و خوشه‌های صنعتی خواهد پرداخت و نه تنها نظارت عالی خود را بر اجرای برنامه‌ها اعمال خواهد نمود، بلکه با نظارت‌های حمایتی خود، از آسیب دیدگی کسب و کارهای کوچک زودبازده جلوگیری به عمل خواهد آورد.

(پ) دولت به عنوان مشوق:^(۳) نقش دولت در تشویق، یعنی مداخله مستقیم دولت برای توسعه کسب و کارهای کوچک زودبازده با کمک‌های مالی، خدماتی و تلاش در جهت دستیابی به نتایج مشخص از توسعه کسب و کارهای کوچک می‌باشد.

مزیت‌های تطبیقی یا نسبی و مزیت‌های رقابتی و ارتباط آن با توسعه کسب و کارهای کوچک^(۴) "مایکل پورتر" اقتصاددان و دانشمند بنام علوم استراتژیک، بین مزیت‌های تطبیقی جانبی و مزیت‌های رقابتی تفاوت قایل می‌شود. از نظر وی:

* مزیت‌های تطبیقی براساس عوامل زمینه‌ساز تولید همانند نیروی کار، منابع طبیعی و سرمایه تعریف می‌شود. بیشتر کشورها به طور نسبی دارای برخی از مزیت‌های تطبیقی می‌باشند.

* مزیت‌های رقابتی، با بهره‌وری عوامل و منابع همانند نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی و ارزشی که محصولات و خدمات و اثربخشی که هر کدام ایجاد می‌نمایند، تعریف می‌شوند.^[۸]

براساس نظر "مایکل پورتر" کسب و کارهای کوچک



خوشه های صنعتی، یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند.

کشانده خواهند شد.

علاوه بر آن، همان طور که در نمودار شماره یک مشاهده می شود، جهت دستیابی به توسعه اقتصادی از طریق ایجاد و توسعه بنگاه های کوچک و زودبازده و حفظ و پایداری آن ها برای تحقق اشتغال پایدار، باید از رویکرد توسعه اقتصاد منطقه ای و مکانیزم خوشه های صنعتی بهره برد.

از ویژگی های رویکرد اقتصاد منطقه ای مواردی قابل توجه می باشند که عبارتند از:

- * توسعه اقتصاد منطقه ای می تواند به ایجاد مشاغل پایدار کمک کند و این عمل از طرق زیر محقق می شود:
- اطمینان از یک فرایند مشارکت که دیدگاهش همکاری ذی نفعان بخش خصوصی و دولتی است.
- تعریف و تعیین فرصت ها برای به کارگیری منابع داخلی و خارجی در جهت ایجاد اشتغال پایدار.
- توجه و حساسیت بیشتر به نیازهای گروه های آسیب پذیر مانند فقرا و مشاغل بخش های غیررسمی.
- تشویق گفتگوهای اجتماعی و مشارکت بخش خصوصی و دولتی.

* توسعه اقتصاد منطقه ای، یک روش مشارکتی و از پایین به بالا با تمرکز بر حاکمیت مطلوب کلیه سطوح حاکمیت است. بنابراین، توسعه اقتصاد منطقه ای، حاکمیت مطلوب را بهبود خواهد بخشید، چرا که:

- فرصت هایی را برای انتقال خواسته ها و نیازهای افراد محلی فراهم می آورد.

- گروه های بیشتری از ذی نفعان را در فرآیند توسعه شرکت می دهد.

- همکاری بین ذی نفعان را در هر دو مرحله برنامه ریزی و اجرای فعالیت های توسعه ای به صورت افقی امکان پذیر می نماید.

- هماهنگی بین گروه های مختلف عوامل محلی، منطقه ای و مرکزی حکومت را بهبود می بخشد. [۳]

- اثربخشی هماهنگی ها و پیشگیری از خطامشی گذاری اضافی و ناهمگون را افزایش می دهد.

با توجه به انتخاب رویکرد اقتصاد منطقه ای جهت پایداری بنگاه های کوچک به دلیل مزیت های این رویکرد، لازم است تا کاربرد این رویکرد در رابطه با خوشه های صنعتی تشریح شود.

چرا بنگاه های کوچک زودبازده جهت حفظ پایایی خود نیاز به یکپارچه سازی و اتصال به بنگاه های مکمل خود دارند؟ برای پاسخ به سوال فوق باید پاره ای از مشکلات اساسی بنگاه های کوچک و زودبازده مطرح شود که به قرار زیر می باشند:

* معمولاً بنگاه های کوچک به تنهایی قادر به استفاده از فرصت های بازار نیستند که نیاز به حجم تولید زیاد، به کارگیری استانداردهای مختلف و تحویل منظم دارد.

* معمولاً بنگاه های کوچک نمی توانند اقلام ورودی خود (مانند تجهیزات، مواد اولیه، سرمایه، خدمات مشاوره ای و ...) را با صرفه اقتصادی تأمین نمایند.

* بنگاه های کوچک زودبازده موانع و مشکلات خیلی زیادی برای بومی سازی مواردی از قبیل آموزش های تخصصی، شناخت بازار، پشتیبانی و نوآوری فن آوری دارند که تمامی آن ها جزو اساسی پویایی یک سازمان بشمار می روند.

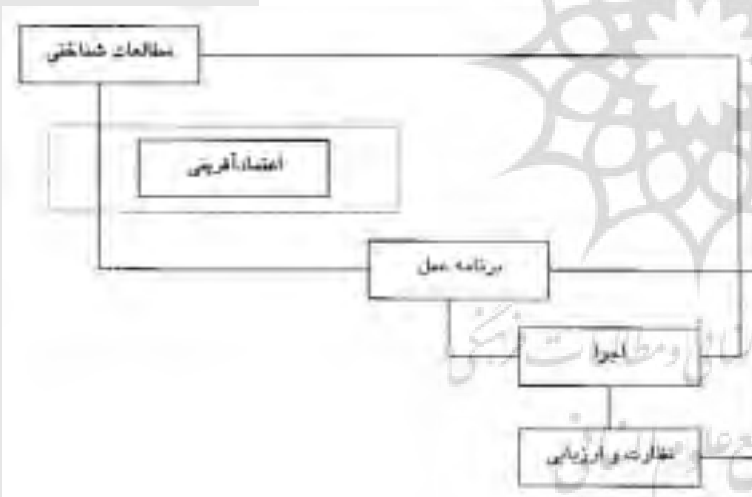
* اندازه کوچک سازمان می تواند باعث محرومیت از داشتن کارکنان متخصص و اثربخش باشد که منجر به بهبود مداوم در توانمندی های بهره وری و نوآوری خواهند بود. به جهت تلاش مداوم و سخت برای حفظ این حاشیه سود کم، کارآفرینان دارای بنگاه های کوچک در کشورهای در حال توسعه، غالباً درگیر مسایل روزمره سازمان شده، قادر به بهبود و نوآوری در محصول و فرآیندهای خود و نیز نگاه به آن سوی محدودیت های سازمان خود برای کسب فرصت های موجود در بازارهای جدید نخواهند بود.

* به طور معمول، بنگاه های کوچک نمی توانند به تنهایی صدای خود را به گوش مسوولان برسانند و از منافع خود دفاع کنند. البته باید توجه نمود که اعتماد خیلی کم، تعارضات پنهان، فقدان ارتباط بین واحدها و بدبینی نسبت به مخاطرات متداول کسب و کار، ویژگی بارز خوشه های توسعه نیافته است. به علاوه، واحدهای تولیدی محلی درچنین خوشه هایی به ندرت از خدمات مشاوره ای توسعه کسب و کار استفاده می کنند و به طور معمول به فراخوان های مکرر کاری از سوی سیاستگذاران محلی علاقمند نیستند.

خوشه های توسعه نیافته، در حالی که در دور باطلی از رقابت های شکننده گرفتار شده اند، به حال خود رها شده و روز به روز از سود و بازده کاری آن ها کاسته می شود. [۹]



نمودار شماره دو
فرایند حلقه‌ای توسعه خوشه



درست براساس اهمیت خوشه، قابلیت ارتقا، امکان پذیری و پایایی، کمک می‌کند تا اطمینان لازم از اثربخشی و حصول به نتیجه به وجود آید. این امر باعث می‌شود که اطمینان از تمرکز منابع موجود روی خوشه‌هایی که این رویکرد در آن‌ها با احتمال بالای موفقیت روبرو است، به واسطه مشارکت و تقسیم منافع بنگاه‌های کوچک، احیای دوباره روابط متقابل و سامانه‌مند و گسترش روش‌های کاری به وجود آید. بدیهی است که دستیابی به نتایج مثبت در مرحله اول، حاصل شناخت دقیق وضعیت موجود خواهد بود.

مرحله دوم) تهیه گزارش شناخت و عارضه‌یابی، تدوین چشم‌انداز و راهبرد: پیاده‌سازی پروژه توسعه خوشه با

اهداف تشکیل و توسعه خوشه‌ها

اولین هدف در سطح خوشه، عبارت است از کمک به ذی‌نفعان بنگاه‌های کوچک در:

- ایجاد و توسعه یک چشم‌انداز^(۶) جمعی و مشارکتی برای آینده.

- تقویت ظرفیت برای عمل و هم‌آهنگ کردن فعالیت‌ها و اشتراک در منافع در راستای این چشم‌انداز مشترک برای کل خوشه.

- تقویت پیوندهای درون خوشه. این رابطه شامل ارتباطات بین خود بنگاه‌های کوچک و زودبازده و شرکت‌های بزرگ، مؤسسات پشتیبانی، بانک‌ها، مراکز توسعه کسب و کار و غیره می‌شود.

- موفقیت یک پروژه توسعه خوشه، به انعطاف‌پذیری و اختیارات طراحان برنامه و مجریان بستگی دارد. عامل توسعه خوشه، یک چارچوب خودکار و خودگردان را که به پویایی و تغییر در خوشه تداوم می‌بخشد، از طریق یک فرآیند مرحله به مرحله ایجاد می‌کند. [۱۰]

هدف دوم از توسعه خوشه، دستیابی به مزیت‌های رقابتی است. این مزیت‌ها می‌توانند در حوزه‌های زیر باشند: [۱]

- نزدیکی به منابع مواد اولیه.

- امکان استفاده از خدمات توسعه کسب و کار منطبق بر نیاز.

- فراوانی مشتریانی که جذب ماهیت و نحوه کار خوشه صنعتی می‌شوند.

- وجود نیروی کار متخصص که در این نوع همکاری، بر مهارت و توانایی یک دیگر، هم‌افزایی خواهند داشت.

- توسعه محلی خوشه‌های بنگاه‌های کوچک به منظور دستیابی به سطوح بالای رشد و رهبری در بازارهای سودآور خاص. [۱۷]

- تدوین استانداردهای فنی و دسترسی به آموزش‌های مدیریتی و فنی.

- کاهش رقابت ناسالم در داخل خوشه‌ها و بین بنگاه‌های کوچک زودبازده.

- پرورش شبکه همکاری بین افراد و افزودن بنگاه‌ها و مهارت‌های جدید به منطقه.

- ترویج تشکیل شرکت‌های توزیعی و امکان خرید گروهی.

براساس موارد ذکر شده، مقاله ضمن بررسی اهداف توسعه خوشه‌ها به این نتیجه رهنمون خواهد شد که برای دستیابی به اهداف توسعه خوشه‌ها، باید یک فرآیند حلقه‌ای برای توسعه بنگاه‌های کوچک زودبازده و متعاقب آن، توسعه خوشه وجود داشته باشد. این فرآیند در نمودار شماره دو به طور خلاصه بیان شده است. [۱۴]

در نمودار شماره دو به رغم نشان دادن پنج محور، می‌توان به طور خلاصه هفت مرحله مختلف، اما متصل به هم را مورد بررسی قرار داد که به شرح زیر تشریح می‌شوند: [۱۲]

مرحله اول) انتخاب خوشه‌ها: یک انتخاب عاقلانه و



سرمایه اجتماعی چیست؟

در صورتی که بتوان رقابت را با همکاری و ارتباط مجموع بنگاه‌ها همراه نمود، کسب و کارهای داخل خوشه رونق و ارتقا خواهند یافت. این روابط اگر چه مبتنی بر ارزش‌های مشترک و فرهنگ تعلق‌پذیری محلی و منطقه‌ای است و در اثر رفتارهای شغلی شکل می‌گیرد، ولی توافق‌ها و قواعد همکاری رسمی حفظ می‌شوند که همان سرمایه اجتماعی یک خوشه است. [۱۸] به عبارت دیگر، به درجه هم‌بستگی و اعتماد متقابل و تعلق خاطر ذی‌نفعان، سرمایه اجتماعی گفته می‌شود و می‌توان با تمهیدات زیر در هر خوشه میزان آن را افزایش داد:

الف) برگزاری گردهمایی‌ها میان ذی‌نفعان خوشه با فعال‌سازی مجدد شبکه‌ها و اتحادیه‌ها.

ب) تلفیق نظرات از طریق اتحادیه‌هایی که ذی‌نفعان مختلف خوشه در آن عضو هستند.

پ) اطلاع‌رسانی در مورد مزیت‌های فعالیت مشترک از طریق خوشه در بین ذی‌نفعان.

ت) توانمند نمودن رهبران خوشه‌ها برای تبیین و اجرای طرح‌های مشترک.

سرمایه اجتماعی، نامشهودترین، ولی بحرانی‌ترین سرمایه یک خوشه است.

اعتماد آفرینی چیست؟

اعتماد، سطحی از آگاهی است که باعث ایجاد احساس امنیت و درک دو طرفه بین اعضای خوشه می‌شود و همچنین عامل دستیابی به زبان مشترک برای پیشبرد اهداف است. این کار با ایجاد تعاملات مستمر رسمی و غیررسمی بین اعضای مختلف صورت می‌گیرد و از نشانه‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ایجاد یا ترویج شبکه‌ها، اتحادیه‌های متمرکز در خوشه، یعنی اتفاق آرای بیشتر در خوشه برای زمان حال پدید آید.

- افزایش سطح همکاری میان اعضای شبکه‌ها و اتحادیه‌ها در امر تصمیم‌گیری.

- افزایش سطح تعهد ذی‌نفعان، ابداع نگرش طولانی مدت و طرح‌های عملیاتی بعدی، تخصیص منابع مالی، یافتن منابع اضافی برای طرح‌ها و فعالیت‌های مشترک. [۱۱]

- همکاری بیشتر بین ذی‌نفعان، که به جریان آزاد اطلاعات، شرکت در نمایشگاه‌ها، خرید مشترک، آموزش منابع انسانی، بازاریابی مشترک و سایر روابط طولانی مدت منجر می‌شود.

مرحله پنجم) برنامه عمل^(۸): در این مرحله، فهرستی از فعالیت‌ها که فراتر از یک جمع‌بندی کلی از تقاضاهای ذی‌نفعان مختلف می‌باشد، با داده‌های اولیه مطالعات شناختی، آغاز می‌شود. این فهرست، نقشه‌ای راهنما است که به پرورش روابط بین ذی‌نفعان برای حصول نتایج ملموس (قابل مشاهده) کمک خواهد کرد. این برنامه عملی، همچنین تلاشی است برای تحقق چشم‌انداز خوشه

جمع‌آوری اطلاعات در مورد خوشه مورد نظر، البته با روش کاملاً مشارکتی آغاز می‌شود. محدودیت‌های پیش‌روی ذی‌نفعان عبارت از توان بالقوه هدایت و کنترل نشده، شبکه‌های محلی و مکانیزم‌های پشتیبانی و حمایتی است. فرآیند مشارکت در ایجاد اعتماد اولیه بین ذی‌نفعان محلی مفید است.

مرحله سوم) استقرار عامل توسعه خوشه: با در نظر گرفتن درجه پیچیدگی خوشه، یک گروه متخصصان که از سوی سازمان مسوول پروژه به‌کار گرفته شده‌اند، یا حتی یک مشاور می‌تواند مطالعه شناختی را انجام دهد. عامل توسعه خوشه باید پیش از مطالعه شناختی با دقت انتخاب شود که این خود موجب می‌شود تا وی بتواند به خوبی خوشه را مدیریت و نظارت کند. عامل توسعه با استفاده از این فرصت، مفاهیم توسعه خوشه را به ذی‌نفعان معرفی می‌کند. پس از انجام مطالعات شناختی، عامل توسعه به همراه مشاوران، باید در تهیه و تنظیم تأیید و اجرای برنامه عمل خوشه با ذی‌نفعان همکاری نماید.

مرحله چهارم) اعتماد آفرینی و تشکیل سرمایه اجتماعی^(۹): بنیان نهادن یک فضای اعتمادبخش در یک خوشه، برای بدست آوردن حمایت افرادی که در خوشه درگیر هستند، پیش‌نیازی ضروری است. به این منظور، عامل توسعه خوشه باید ابتدا اعتمادی دو طرفه را بین تک‌تک ذی‌نفعان به وجود آورد، و پس از شکل‌گیری این اعتماد، از آن برای ایجاد یا افزایش اعتماد در کل مجموعه استفاده کند. این کار با روابط متقابل رسمی یا غیررسمی و از طریق مشارکت در فعالیت‌ها، در مسیر اعتماد آفرینی پیش می‌رود.

اما تفاوت بین سرمایه اجتماعی و اعتماد آفرینی چیست؟ به نظر می‌رسد که با تعریف هر یک از این مفاهیم، می‌توان جنبه‌های اشتراک و افتراق آن‌ها را بازشناسی نمود. [۱۴ و ۱۳]

بنگاه‌های کوچک
بیش از سازمان‌های
بزرگ متکی بر
منابع انسانی
هستند و به همین
دلیل، کم‌هزینه‌ترند.



- برنامه‌ریزی ایجاد مزیت‌های رقابتی در منطقه اقتصادی.

- انتخاب خوشه و تشکیل کمیته تعاملی بین بنگاه‌های کوچک زودبازده و عوامل توسعه خوشه.

- سازماندهی نحوه انجام کار.

- آموزش مفهوم توسعه خوشه کسب و کار.

- آموزش اصول جهانی و تجربه شده توسعه خوشه‌های کسب و کار.

- بررسی و انتخاب روش‌های قابل اجرا در توسعه خوشه‌های کسب و کار.

به‌طور خلاصه، باید گفت که برای بهبود کسب و کارهای کوچک و زودبازده و تقویت مزیت‌های نسبی با هدف پویا ساختن یک خوشه، ذی‌نفعان (که عبارتند از: کارآفرینان، سیاستگذاران، ارائه‌دهندگان خدمات، نمایندگی‌های سیاسی و غیره) باید بیاموزند که انجام فعالیت‌های مشترک هدفمند را در خوشه‌های توسعه نیافته برعهده گیرند و سرمایه اجتماعی موجود در منطقه را افزایش دهند.

عمده‌ترین هدف توسعه بنگاه‌های کوچک زودبازده و متعاقب آن، توسعه خوشه‌های صنعتی و خدماتی، همانا ایجاد اشتغال پایدار و تقویت رشد اقتصادی در مناطق مختلف یک کشور می‌باشد. بنابراین، با توسعه اشتغال پایدار، باید فقر و بیکاری به حداقل خود برسند. بنابراین در این جا این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که رویکرد توسعه خوشه‌ها در کاهش فقر چیست؟ و این رویکرد با کمک چه اصولی می‌تواند منجر به کاهش فقر گردد؟ می‌توان بر مبنای مطالعات رویکرد توسعه خوشه در کاهش فقر و رفع آن به مواردی مانند: بهبود رقابت‌پذیری، ایجاد اشتغال، احراز اطمینان از ضعیف‌تر نشدن گروه‌های محروم، بهبود استانداردهای کار، به کارگیری روش آموزش مداوم، تقویت ذخیره سرمایه اجتماعی، تقویت افراد محروم، خلق درآمد، بهبود شیوه‌های ارائه اعتبارات خرد و غیره اشاره نمود.

در این زمینه ترکیب توسعه اقتصادی منطقه‌ای و توسعه خوشه، یک فرایند توسعه مشارکتی است که منجر به تشویق تعامل ذی‌نفعان بخش دولتی و خصوصی در یک منطقه می‌شود و از طریق استفاده از منابع محلی و مزیت‌های رقابتی، با هدف نهایی ایجاد کار شایسته و توسعه فعالیت‌های اقتصادی، طراحی و پیاده‌سازی راهبردهای توسعه به صورت مشارکتی میسر خواهد شد. [۱۹]

چالش توسعه خوشه برای دولت، فایده‌آمدن بر مشکلاتی مانند ساختارهای بوروکراتیک و پیچیده، ظرفیت اجرایی محدود، عدم تعامل با بخش خصوصی و NGOها و عدم تمرکز بر پایدار کردن کسب و کارهای کوچک ایجاد شده می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در طول پانزده سال گذشته، کسب و کارهای کوچک و متوسط به عنوان اصلی‌ترین منابع ایجادکننده شغل در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شناخته شده‌اند و توانایی

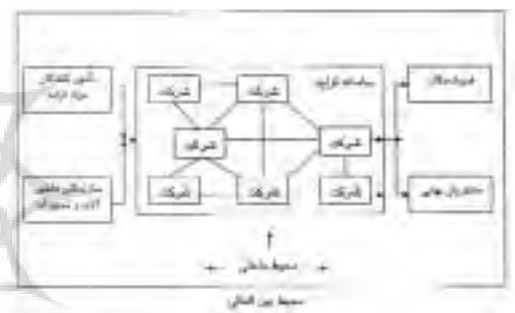
از طریق انجام یک رشته فعالیت‌هایی که با مشارکت ذی‌نفعان انجام می‌گیرد. برنامه عمل به طور عادی هر سال یک بار تهیه می‌شود.

مرحله ششم) پیاده‌سازی: پیاده‌سازی، فقط تحقق بخشیدن به یک سری اهداف نیست، بلکه شامل تغییر اساسی در فعالیت‌ها در تعاملات بازیگران اصلی خوشه است. مسوولیت راهبردی اجرایی فعالیت‌های متفاوت، به طور منظم و از روی برنامه به عهده ذی‌نفعان است. به‌ویژه ذی‌نفعانی که از بخش خصوصی با پشتیبانی مرکز محلی فعالیت می‌کنند. در اجرای برنامه عمل، ذی‌نفعان، به مزیت‌های مشارکت نزدیک‌تر پی می‌برند. در این میان، فعالیت‌های مشترک با واسطه‌ها، بازده جمعی خوشه و همچنین قدرت سازمان حاکم را افزایش می‌دهد.

خوشه‌های صنعتی یا خدماتی مفهومی فراتر از یک سازمان را ایجاد می‌کنند. این مفهوم در نمودار شماره سه نشان داده شده است.

نمودار شماره سه

نقشه یک خوشه به عنوان مفهومی فراتر از یک سازمان



مرحله هفتم) نظارت و ارزیابی و تدوین برنامه اصلاحی در چرخه ایجاد خوشه: نظارت کمی و کیفی برنتایج کارها، به انتشار و فراگیر شدن بهترین نمونه‌ها کمک می‌کند و اعتماد بین ذی‌نفعان را تقویت می‌نماید. این نظارت، شناسایی تغییرات در روابط بین ذی‌نفعان خوشه را ممکن می‌سازد و علاوه بر این، حوزه فعالیت‌های مشترک و ساختار را با این تغییرات تطبیق می‌دهد. در هر جا که انحرافی از اهداف خوشه در هر یک از بنگاه‌های کوچک مشاهده شود، باید سریعاً مورد بررسی و اصلاح قرارگیرد، زیرا کوچک‌ترین انحراف در بنگاه‌های کوچک، منجر به انحراف کل خوشه و در نتیجه، از دست رفتن منافع خوشه‌ها خواهد گردید. بدیهی است که در مرحله هفتم، هم استانداردها و روش‌های نظارت طراحی می‌شوند و هم چگونگی اجرای کنترل و حذف انحرافات احتمالی طراحی می‌گردد. شایان ذکر است که همه مراحل هفت‌گانه، باید قبل از شروع عملی به طور کامل مورد بررسی و مستند سازی قرار بگیرند. [۱۸]

از نخستین گام‌های توسعه خوشه‌های صنعتی یا خدماتی پیش از اجرا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ارزیابی مزیت‌های نسبی و رقابتی در هر منطقه.

دولت در رابطه با کسب و کارهای

کوچک زودبازده، سه

نقش می‌تواند داشته

باشد: تسهیل‌کننده،

قانونگذار، مشوق.

به طور معمول،
بناگاه های کوچک
نمی توانند به
تنهایی صدای
خودشان را به گوش
مسوولان برسانند و
از منافع خود دفاع
کنند.

کوچک است تا آن ها قادر به فعالیت و توسعه امکانات و منابع خود باشند.

هم چنین ثابت شده است که طراحی و توانمندسازی محیط کسب و کار به لحاظ خط مشی گذاری ها، قانون گذاری ها و تدوین مقررات برای عملیات کسب و کارهای کوچک، می بایست به طور کامل جنبه حمایتی داشته باشند. این حمایت می تواند از بازنگری و اصلاح قوانین و سیاست های موجود و تدوین خط مشی های ضروری در سطح کلان شروع شود و با برنامه ریزی و تأمین زیرساخت ها و تسری آن به لایه های زیرین همراه با ارایه راهکارها و آموزش های لازم، جهت رسیدن به محیطی توانمند و اشتغال زا تداوم یابد.

کسب و کارهای خرد معمولاً در آستانه ای حرکت می کنند که در زیر فشار محدودیت های قانونی و سازمانی قرار می گیرند و در نتیجه، به صورت عامل بازدارنده برای سایر بناگاه های کوچک در می آیند و در بعضی از موارد اگر موانع عملیاتی برطرف شوند، توسعه می یابند. به همین دلیل، بر مبنای مباحث اصلی مقاله، به نظر می رسد که قسمت عمده ای از مشکلات اشتغال در کشور ایران را می توان از طریق توانمندسازی محیط برای رشد و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط برطرف نمود و با آماده سازی شرایط جهت ایجاد خلاقیت برای کارآفرینی و خوداشتغالی، و تشکیل سرمایه اجتماعی و خوشه ها، ضمن کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی مردم، گامی به سوی توسعه پایدار اقتصادی برداشت.

این نوع از کسب و کارها در تطابق با شرایط در حال تغییر پیرامون خود و توانایی نفوذ در بازارهای محدود به همراه توانایی در نوآوری، آن ها را به یکی از ابزارهای حیاتی برای نفوذ به بازارها تبدیل نموده است. در نتیجه، تعداد کسب و کارهای کوچک در حال افزایش بوده و به همین ترتیب فرصت های شغلی جدیدی نیز توسط آن ها ایجاد می شود. بدین ترتیب می توان استنباط کرد که جوامع درگیر با پدیده بیکاری و بحران های ناشی از آن، می باید موضوع کسب و کارهای خرد، کوچک و یا متوسط را به صورت جدی مورد توجه قرار دهند. مقاله به بررسی مشکلات و موانع کسب و کارهای کوچک و خوشه ها پرداخته و به این نکته دست یافته است که پیش بینی و تأمین خدمات مدیریتی، منابع مالی و سایر زیرساخت های مورد نیاز، همواره یکی از مهمترین روش ها برای توسعه کسب و کار و ایجاد اشتغال پایدار شناخته می شوند، اما شواهد فراوانی وجود دارند حاکی از این که فقط تمرکز بر توسعه کسب و کارهای کوچک زودبازده، نمی تواند پایداری و پایایی اشتغال را در اقتصاد بوجود آورد، بلکه باید از مفهوم خوشه ها نیز استفاده نمود. هم چنین در صورتی که دولت در خصوص رشد اقتصادی و ارتقای سطح برابری و عدالت اجتماعی و کاهش فقر جدی باشد، می باید فضایی را ایجاد نماید تا محیط برای توسعه بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک کاملاً هموار و تشویق کننده باشد. منظور از ایجاد فضای مشوق، همانا آشنایی قانونگذاران با نقش و اهمیت کسب و کارهای

زیرنویس ها

- 1) Government as Facilitator.
- 2) Government as Regulator.
- 3) Government as Promoter.
- 4) Comparative and Competitive Advantage.
- 5) Sustainability.
- 6) Vision.
- 7) Social Capital.
- 8) Action Plan.

منابع و ماخذ

- 1) افتخاریان، حسن / توانمندسازی محیط برای صنایع کوچک/ همایش بین المللی / سازمان نظام مهندسی / ۱۳۸۶.
- 2) آذرنگ، عبدالحسین/ پدیده جهانی شدن/ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی / نشر آگاه/ تهران/ ۱۳۸۵.
- 3) باران دوست، رامبد/ تحلیل نقش دانشگاه ها در تقویت و پشتیبانی از صنایع/ مجموعه مقالات نهمین سمینار منطقه ای همکاری های دولت/ دانشگاه و صنعت/ دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری / ۱۳۸۵.
- 4) بلخاری، حسین/ آفات جهانی شدن/ ماهنامه موعود/ شماره ۲۹/ بهمن ۱۳۸۳.
- 5) علی قلیان، عبدالاحد/ پدیده جهانی شدن منصفانه، ایجاد فرصت برای همه شرکت ها/ انتشارات علمی و فرهنگی/ تهران/ ۱۳۸۵.
- 6) شریف النبی، مرتضی / چرخه توسعه راهنمای رشد شتابان/ انتشارات خدمات فرهنگی رسا/ تهران/ ۱۳۸۵.
- 7) صحرایان، سیدمهدی/ سازماندهی صنایع کوچک/ تهران/ انتشارات معارف/ چاپ اول/ ۱۳۸۰.
- 8) قره باغیان، مرتضی / اقتصاد رشد و توسعه/ جلد دوم/ نشر نی/ چاپ اول/ ۱۳۸۱.

- 9) BUSOM, Isabel/ Department d, Economica Aplicada Universitate Autonoma de Barcelona/ Firm Strategies in Cooperation and Participation in Programs/ April 2004.
- 10) Brown, H.N and Langencker, I.G/Small Business Management/Cincinnati/South West Publishing/1999.
- 11) Goldin, Ian and Peinert, Kenneth A/Globalization for Development/ Publisher: World Bank Publication/2007.
- 12) O, Meara, Patrick/ Globalization of the New Century/ Publisher : Indian University Press/2000.
- 13) Tomlinson, John/ Economic and Culture/ Publisher: Universty of Chicago Press/2007.
- 14) Held, David and Mc Grew, Anthony/ Globalization Anti-Globalization/ Publisher: Polity Press/2002.
- 15) Steger, Manfred B/Local Economic/ Publisher: Oxford University Press/2003.
- 16) Singer, Peter/ One World: The Ethics of Economic/ Publisher: Yale University Press/2004.
- 17) Schaeffer, Robert K. /Understanding Economic and Environmental Change/ Publisher: Rowman and Little Field Press/2005.
- 18) Stiglitz, Joseph/Making Work/Publisher: w.w.Norton Press/2006.
- 19) Mc Gillivray, Alex/ A Brief History of Globalization and Work Creative/ Publisher: Carroll and Graf Press/2005.